

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روز: یک شنبه

مصادف با: ۲۲ جمادی الثانی ۱۴۳۶

ادامه بررسی ثمره ششم

بیان شد بسیاری از فقهاء و اصولیون فساد ضد عبادی را از ثمرات مبحث ضد دانسته اند و هر کدام در جهت عدم پذیرش آن شیوه خاصی را در پیش گرفته اند. کلام محقق نائینی و محقق اصفهانی «رحمة الله علیهما» به همراه نقد آنها گذشت. بحث در نقد کلام شیخ بهایی «رحمة الله علیه» بود که بیان شد بسیاری از علماء در صدد پاسخ از ایشان بر آمده اند، بعضی از پاسخ ها مبتنی بر پذیرش ارتفاع امر ضد عبادی مهم و بعضی مبتنی بر عدم پذیرش ارتفاع امر ضد عبادی مهم می باشند و در هر یک از این دو گروه، دو شیوه از پاسخ دیده می شود، لذا در واقع مجموعه پاسخ ها به چهار پاسخ باز می گردند که در گذشته این پاسخ ها به صورت اجمالی بیان گردید. در ادامه به بیان هر یک از این پاسخ ها به صورت تفصیلی خواهیم پرداخت.

**بیان پاسخ محقق ثانی «رحمة الله علیه»**

محقق ثانی «رحمة الله علیه» در خصوص تزاحم ضد عبادی موسع مانند صلاة در اول وقت با یک ضد دیگر که مأمور به مضیق است، مانند ازاله نجاست از مسجد بنا بر فوریت، سخنی را در جهت تصحیح قصد امتثال امر ضد عبادی موسع به عنوان یک راهکار در جهت تثبیت ثمره ششم مطرح می نمایند که لازمه آن رد کلام شیخ بهایی «رحمة الله علیه» می باشد.

بیان ایشان علی ما فی اجود التقريرات این است که می فرمایند: «متعلق امر واجب موسع مانند صلاة، طبیعت صلاة می باشد که قدر جامع میان افراد طولی و عرضی آن است، لذا هیچ مزاحمتی با امر واجب مضیق مانند ازاله نجاست، ندارد - چون مکلف می تواند در اول وقت ازاله نجاست نموده و سپس نماز را اقامه نماید - بلکه میان امر به واجب مضیق و یکی از افراد متعلق امر به صلاة یعنی صلاة در اول وقت، تزاحم وجود دارد و این از دو حال خارج نیست:

**حالت اول این است که گفته شود امر به واجب مضیق یعنی ازاله نجاست، اگر چه دلالت بر نهی از طبیعت واجب موسع مانند صلاة ندارد و امر آن محفوظ است ولی مقتضی نهی از خصوص آن فرد از مأمور به که مقارن با واجب مضیق است، یعنی صلاة در اول وقت می باشد و این فرد بما آنه فرد امر ندارد و طبیعت صلاة مأمور به نیز بر این فرد منتهی عنه قابل تطبیق نمی باشد، لذا اگر مکلف این فرد از طبیعت را که مزاحم با واجب مضیق است انجام دهد، فردی را انجام داده که به هیچ وجه مأمور به نبوده و فاسد می باشد.**

۱- ایشان در اجود التقريرات، جلد ۱، صفحه ۲۶۲ می فرمایند: «و أورد المحقق الثاني قده على إنكار الثمرة في صورة مزاحمة الموسع بالمضيق ما قد أوضحه جماعة من المحققين ممن تأخر عنه بما حاصله ان الأمر بالشئ إذا كان مقتضيا للنهي عن ضده فلا محالة يكون الفرد المزاحم من الواجب الموسع منهيا عنه فيبقى به إطلاق الأمر به كما هو الحال في غير المقام من بقية موارد النهي عن العبادات والأمر والنهي بناء على تقديم جانب النهي فلا محالة يقع فاسدا بناء على عدم كفاية الاشتغال على الملاك في الصحة و اما إذا بنينا على عدم الاقتضاء فغاية ما يقتضيه الأمر بالمضيق هو عدم الأمر بهذا الفرد المزاحم لعدم القدرة على الإتيان به شرعا و هو في حكم عدم القدرة عليه عقلا و ذلك لا يقتضي الفساد بدهاة أن الوجوب انما تعلق بصرف وجود الطبيعة لا بخصوصية أفرادها ليرجع التخيير بينها إلى التخيير الشرعي فملاك الامتثال انما هو انطباق المأمور به على الفرد الخارجي لا كون الفرد بشخصه مأمورا به و حينئذ فيما ان الواجب الموسع له افراد غير مزاحمة و صرف وجود الطبيعة مقدور للمكلف يصح تعلق الأمر به من المولى إذ لا مزاحمة بينه وبين الواجب المضيق و انما المزاحمة بين المضيق و الفرد المزاحم من الموسع و إذا كان صرف وجود الطبيعة مطلوبا للمولى و كان انطباقه على الفرد المزاحم قهريا فيتحقق به الامتثال قهرا و يكون مجزيا عقلا و بالجملة حال الفرد المزاحم حال غيره من الافراد فكما ان ملاك الامتثال فيها هو انطباق المأمور به عليها لا كون أنفسها مأمورا بها كذلك يكون الملاك في الفرد المزاحم هو الانطباق المذكور أيضا».

**حالت دوم این است که گفته شود** امر به واجب مضیق همانطور که دلالت بر نهی از طبیعت واجب موسّع مانند صلاة ندارد، مقتضی نهی از خصوص آن فرد از مأمور به که مقارن با واجب مضیق است یعنی صلاة در اوّل وقت نیز نمی باشد و نهایت چیزی را که دلالت دارد این است که خصوص این فرد مزاحم امر ندارد - چون مستلزم جمع بین ضدین و تکلیف به غیر مقدور می باشد - ولی چون منهی عنه نمی باشد، طبیعت صلاة مأمور به بر آن صادق است، چون تنها مانع، منهی عنه بودن آن بود که فرضاً این فرد نهی ندارد، لذا اگر مکلف این فرد از طبیعت را که مزاحم با واجب مضیق است انجام دهد، هر چند به جهت ترک واجب مضیق عاصی به حساب می آید، ولی چون طبیعت صلاة مأمور به بر عمل او صادق است، امثال امر انجام گرفته و صحیح می باشد.

**بنابر این** مدّعی شیخ بهایی «رحمة الله علیه» در صورتی صحیح است که امر به شیء مقتضی نهی از ضدّ آن باشد و الا ضدّ عبادی به دلیل اینکه فردی از افراد طبیعت مأمور به می باشد، قابلیت قصد امثال امر را داشته و اتیان آن به صورت صحیح ممکن می باشد<sup>۱</sup>.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»

---

۱- این بیان منسوب به مرحوم محقق ثانی برگرفته از یک سؤال و جواب است که در کتاب دین جامع المقاصد، جلد ۵، صفحه ۱۳ ذکر شده است. ایشان می فرمایند: «فإن قيل: وجوب القضاء على الفور ينافي وجوب الصلاة في الوقت الموسع، لأنه حين وجوب الصلاة إذا تحقق وجوب القضاء على الفور يلزم تكليف ما لا يطاق، وهو باطل، وإن لم يبق خرج الواجب عما ثبت له من صفة الوجوب الفوري. قلنا: لا نسلم لزوم تكليف ما لا يطاق، إذ لا يمتنع أن يقول الشارع: أوجب عليك كلا من الأمرين، لكن أحدهما مضيق، والآخر موسع، فإن قدمت المضيق فقد امتثلت [و سلمت من الإثم، وإن قدمت الموسع فقد امتثلت] و أثمت بالمخالفة في التقديم».